



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۳۸	تاریخ	۱۴۰۱/۰۹/۱۳
عنوان ۱	حجیت ظن				
عنوان ۲	ظنون خاصه				
عنوان ۳	ظهور				
عنوان ۴	مقدمات				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور و تکمیل درس گذشته

بحث ما در مقدمه سوم از مقدمات مباحث حجیت ظهور بود. مقدمه سوم در این باره بود که آیا مدالیل التزامی غیر بینه می تواند مشمول حجیت باشد؟ به عبارت دیگر آیا موضوع حجیت، ظهور است - که در سه لایه از معانی کلام می توان ادعای ظهور کرد: مدلول مطابقی، مدلول التزامی بین بالمعنی الاخص و مدلول التزامی بین بالمعنی الاعم - یا دلالت است که علاوه بر موارد قبل، شامل مدلول التزامی غیر بین نیز می شود؟

گفتیم در اینجا بحثی مطرح می شود که آیا در دلالت های التزامی غیر بینه، التفات به تلازم در حجیت بر متکلم شرط است یا خیر؟

گفتیم نسبت به لایه های سه گانه ابتدایی معنا - مدلول مطابقی، مدلول التزامی بین بالمعنی الاخص و مدلول التزامی بین بالمعنی الاعم - التفات متکلم و سامع مفروض است؛ یعنی متکلمی که با یک زبان صحبت می کند، فرض این است که آشنای با آن زبان است و معانی آن زبان را می داند؛ لذا ادعای عدم التفات از او قبول نمی شود؛ لذا اگر اقرار به چیزی کرده باشد، اقرار او قطعاً نسبت به مدلول مطابقی، مدلول التزامی بین بالمعنی الاخص و مدلول التزامی بین بالمعنی الاعم حجیت است و ادعای عدم توجه از او قبول نمی شود. اما نسبت به مدلول التزامی غیر بین ممکن است گفته شود ادعای عدم التفات متکلم نسبت به تلازم قابل قبول است و عقلاء از او می پذیرند؛ زیرا فرض بر این است که مدلول التزامی غیر بین است.

ادعای عدم التفات به لازم غیر بین در برخی موارد از سوی عقلاء قابل پذیرش نیست؛ مثلاً در متون قانونی؛ قضات به مدالیل التزامی غیر بینه قانون نیز اخذ می کنند و عرف عقلاء از قانون گذار نمی پذیرد که او بگوید من متوجه مدالیل التزامیه غیر بینه نبوده ام؛ لذا قانون گذاران باید دقت کنند که قانون به گونه ای نوشته شود که مدالیل التزامیه غیر بینه ای که مقصود آنها نیست در کلام وجود نداشته باشد؛ و الا وکیل هر کسی حق دارد به استناد یک مدلول التزامی غیر بین، موکل خود را تبرعه کند. خلاصه اینکه عقلاء در متون قانونی در مقام احتجاج، مدالیل التزامی غیر بینه را نیز حجیت قرار می دهند. بنابراین روش عقلایی در مقام احتجاج این است که به مدالیل التزامی غیر بین متون قانونی نیز اخذ می کنند؛ زیرا فرض بر این است که

قانون گذار اهل حکمت و عالم است و از یک عالم حکیم، پذیرفته نیست که بگوید مدالیل التزامی کلام من مقصود من نبوده است. قدر متیقن این مطلب، مراجع قانونی هستند که از آنها پذیرفته نمی شود که بگویند مدالیل التزامی متن قانون ما، مقصود ما نبوده است.

به طور کلی متون صادره از مقامات واجب الطاعة - چه وجوب عقلایی و چه وجوب شرعی که مقام واجب الطاعة در شرع، خداوند ﷻ و انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام (به لحاظ اینکه پیام رسانی از خدای متعال) هستند - و متنی که دارای منجزیت و معذرت است و تخلف از آن منشأ عقاب می شود - چه عرفی و چه شرعی، مدلول التزامی غیر بین آن نیز اخذ می شود. بنابراین بر فرض اینکه متنی حجت باشد - که در آینده بحث خواهیم نمود بحث از حجیت را، متنی که صادر از یک مرجع قانونی واجب الطاعة است، به مدالیل التزامی غیر بین آن متن نیز اخذ می شود و به آن احتجاج می شود. خلاصه مقدمه سوم اینکه مقام حجیت که مقام معذرت و منجزیت است، مقام خاصی است که در آن مطلق الدلالة حجت است، اگرچه دلالت، دلالت التزامی غیر بین باشد و ادعای عدم التفات از اینگونه مراجع از سوی عقلاء پذیرفته نیست.

مقدمه چهارم

در مقدمه چهارم به این بحث می پردازیم که آیا حجیت کلام، نسبت به متکلم و سامع یکسان است؟ وقتی گفته می شود حجیت علی السامع، للمتکلم، به این معناست که اگر مسئولیتی از کلام متکلم بر سامع بار می شود، متکلم می تواند سامع را مسئول بداند؛ مثلاً اگر شارع امر کرد، اگر این امر با مدلول مطابقی یا دلالت التزامی بین بالمعنی الاعم و الاخص اثبات شد، که روشن است که اگر سامع به این تکلیف عمل نکند، استحقاق عقاب دارد؛ این معنای حجیت به معنای تنجیز است که حجت برای متکلم بر سامع ثابت است؛ اما آنجایی که مدلول التزامی غیر بین متکلم، دلالت بر حکم الزامی داشت، آیا در این صورت نیز این کلام برای متکلم بر علیه سامع حجیت دارد یا خیر؟ از طرفی دیگر اگر مدلول التزامی غیر بین کلام شارع، دال بر عدم التکلیف بود؛ آیا معذر است و سامع می تواند برای انجام ندادن تکلیف به این مدلول التزامی غیر بین احتجاج کند بر متکلم؟ به عبارت دیگر در چنین صورتی حجیت للسامع علی المتکلم وجود دارد یا خیر؟ اگر گفتیم مدلول التزامی غیر بین بر سامع منجزیت دارد (یعنی للمتکلم علی السامع حجیت ثابت است)، آیا می توان گفت در مقام معذرت نیز للسامع علی المتکلم حجیت ثابت است؟ یا اینکه باید تفصیل قائل شد؟

در اینجا می توان گفت که مطلب طبق دو مبنای قاعده قبح عقاب بلا بیان و حق الطاعة متفاوت می شود. بر اساس قاعده حق الطاعة، مدلول التزامی غیر بین در مقام منجزیت، قطعاً دارای حجیت است؛ بلکه احتمال وجود مدلول التزامی دال بر تکلیف نیز بنا بر حق الطاعة منجزیت دارد و للمتکلم علی السامع حجیت ثابت است. مدلول التزامی غیر بین دال بر منجزیت (عدم التکلیف) بود، اگر قائل به حجیت لازم غیر بین شدیم، معذرت دارد؛ اما در صورتی که قائل به حجیت آن نشدیم و تنها احتمال حجیت وجود آن وجود داشته باشد و یا اینکه حجیت اثبات شود اما وجود مدلول التزامی غیر بین بر ترخیص محتمل باشد، معذرت نخواهد داشت؛ به عبارت دیگر احتمال وجود یک بیان معذر، معذر نخواهد بود.

بر اساس قاعده قبح عقاب بلا بیان در مقام منجزیت ممکن است چنین ادعا نمود که مدلول التزامی غیر بین، بیان محسوب نمی شود؛ بلکه عرف، تنها آنچه ظهور است را بیان می داند؛ لذا در اینجا چون بیان به حساب نمی آید، قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری خواهد بود. (اما در آینده خواهیم گفت که ظهور، اماره است؛ لذا لوازم ظهور حجت خواهند شد؛ ولو اینکه این لازم، لازم غیر بین باشد؛ اینجاست که تفاوت بین مثبتات امارات و مثبتات اصول ثمر می دهد).

در مقام معذرت، جحیت آن از این باب است که قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری است؛ یعنی اگر مدلول التزامی غیر بین دال بر رفع تکلیف بود، خود قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری است و چیزی که منجز تکلیف بر سامع باشد در اینجا وجود ندارد؛ بنابراین در مقام معذرت حجت است؛ البته نه از باب اینکه مدلول التزامی غیر بین حجت است؛ بلکه از باب اینکه قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری است.

خلاصه اینکه بنابر قاعده حق الطاعة، احتمال وجود منجز در منجزیت کفایت می کند اما احتمال وجود معذر، در معذرت کفایت نمی کند؛ اما بنابر قاعده قبح عقاب بلا بیان، احتمال وجود معذر، در معذرت کفایت می کند اما احتمال وجود منجز، در منجزیت کفایت نمی کند؛ یعنی اگر احتمال وجود مدلول التزامی ای دال بر تکلیف وجود داشته باشد، بنابر قاعده قبح عقاب بلا بیان، این احتمال قابل اعتناء نیست و قاعده قبح عقاب بلا بیان این احتمال را از بین می برد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين